

پرونده «رتیل های خون ریز» باز شد

سردسته یک بانده مخوف ربودن و تعرض به زنان در حالی دستگیر شد که مشغول شلاق زدن به زنی عریان بود.

به گزارش «مادران و دختران» به نقل از همشهری آنلاین، صبح یکشنبه گذشته، ماموران کلانتری سپاد مشهد از طریق منابع و مخبران محلی به اطلاعاتی از تبهکاری های هولناک در آلونک پشت بام یک منزل مسکونی دست یافتند که ماجرای مرموز را روایت می کرد. مخبران محلی از ضجه ها و شیون های دلخراش زنانی سخن می گفتند که از اوایل شب تا سپیده دم از «آلونک وحشت» به گوش می رسید!

در پی دریافت این خبر و با توجه به حساسیت موضوع، بلافاصله سرگرد «جعفر عامری» (رئیس کلانتری سپاد) به همراه گروهی از عوامل انتظامی و پس از کسب مجوزهای قانونی از قاضی فرهنگدینیا (جانشین معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) عازم منطقه اسماعیل آباد شد تا این ماجرا را از نزدیک واکاوی کند اما وقتی نیروهای کلانتری وارد خیابان میرزا دوستی شدند، صدای شیون های ملتسمانه زنی را شنیدند که دیگر حتی نای ضجه زدن هم نداشت. در این هنگام بود که رئیس کلانتری ماجرای «آلونک وحشت» را به سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) اطلاع داد و بدین ترتیب عملیات ضربتی پلیس در حالی با ورود ماموران به منزل مسکونی آغاز شد که صحنه هولناکی در برابر دیدگان نیروهای انتظامی قرار گرفت.

جوان ۲۷ ساله ای، شلاق کابلی را چنان بر پیکر زنی عریان فرود می آورد که دیگر در حال نیمه بیهوشی قرار گرفته بود! در این لحظه نیروهای انتظامی آرایش نظامی گرفتند و با چند فن دفاع شخصی، جوان شلاق به دست را در حالی زمین گیر کردند که از زخم های پیکر زن مذکور خون بیرون می زد! در همین حال جوان شکنجه گر چون «رتیلی خون ریز» به این صحنه وحشتناک خیره شده بود به طوری که حتی از چشمان او نیز گویی خون می چکید! طولی نکشید که با هدایت مستقیم رئیس پلیس مشهد، عوامل انتظامی پیکر عریان زن جوان را با یک رشته پارچه پوشاندند و برای انتقال وی به مرکز درمانی با امدادگران اورژانس تماس گرفتند.

دقایقی بعد امدادگران وارد محله اسماعیل آباد مشهد شدند و زن مذکور را که آثار شکنجه های دلخراش روی نقاط مختلف بدنش وجود داشت، در حالی به بیمارستان شهید هاشمی نژاد انتقال دادند که دیگر حتی کادر درمانی هم نگران جان وی بودند! با بستری شدن این زن در مرکز درمانی، عملیات پلیس برای افشای راز «رتیل های خون ریز» در آلونک وحشت وارد مرحله جدیدی شد چرا که بررسی فیلم های شکنجه زنان در تلفن همراه «مصطفی - د» (متهم) حکایت از آن داشت که پلیس با یک باند مخوف و خطرناک روبه رو شده است که در بی رحمی و تبهکاری کم نظیر هستند. وقتی ماموران از پله های آجری به پشت بام رسیدند، در کنار آلونک وحشت، گالن های بزرگ حاوی مشروبات الکلی دست ساز را از زیر شن و ماسه های پشت بام بیرون کشیدند که بررسی ها نشان داد سرکرده باند «رتیل های خون ریز» در تولید و توزیع گسترده مشروبات الکلی در مشهد نیز نقش مهمی دارد چرا که حدود ۴۷۰ لیتر مشروبات الکلی به همراه آلات و ادوات تهیه و تولید و تعدادی قمه و شمشیر از این مکان کشف و ضبط شد. ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که «رتیل های خون ریز» از شمشیر و قمه ها نیز برای ترساندن زنانی استفاده می کردند که در چنگ آن ها گرفتار می شدند. کنکاش در فیلم های سیاه درون گوشی تلفن سرکرده «رتیل های خون ریز» حکایت از آن داشت که آن ها زنانی را شبانه به آلونک وحشت می آورند و از صحنه های آزار و اذیت بی شرمانه و شکنجه های دلخراش آنان فیلم تهیه می کنند.

با انتقال «» به مقر انتظامی، بازجویی های تخصصی توسط گروه مشترکی از عوامل تجسس، اطلاعات و مبارزه با مواد مخدر کلانتری زیر نظر سرگرد جعفری ادامه یافت. کنکاش های پلیس با انجام یک سری تحقیقات نامحسوس محلی به ماجراهای تکان دهنده ای رسید که راز باند «رتیل های خون ریز» را فاش کرد.

بررسی های بیشتر پلیس، نشان داد که اعضای این باند مخوف در حالی زنان جوان را شبانه با یک دستگاه پراید به آلونک وحشت منتقل می کنند که آن ها را با دهان بسته درون کیسه های بزرگ قرار داده اند.

سرکرده باند «رتیل های خون ریز» در بازجویی ها ضمن اعتراف به مشروب خوری، آزار و اذیت های وحشیانه زنان جوان و شکنجه های دلخراش آنان گفت: من هیچ اعتقاد مذهبی ندارم و از شکنجه زنان لذت می برم! به ویژه وقتی با گریه التماس می کردند که رهایشان کنم ولی من به همراه دیگر همدستانم از آن ها فیلم می گرفتیم و لذت می

بردیم، سپس برای آن که کسی جیغ و فریاد آنان را نشنود صدای موسیقی را بلند می کردیم.

در همین حال زن ۴۰ ساله نیز عصر روز گذشته در مرکز درمانی شهید هاشمی نژاد به ماموران انتظامی گفت: شب هنگام در خیابان شهید درودی منتظر تاکسی بودم که دو نفر مرا به عنوان مسافر سوار پراید کردند اما چند لحظه بعد با تهدید قمه مرا به آونکی در پشت بام کشاندند و بعد از آزار و اذیت های وحشیانه در حالی که دست و پایم را بسته بودند، ضربات شلاق را بر پیکرم فرود می آوردند و از ضجه هایم فیلم می گرفتند! هرچه به آن ها التماس می کردم که پسر خردسال و مادر پیرم منتظر من هستند، نه تنها هیچ فایده ای نداشت بلکه بیشتر مرا آزار می دادند.

با صدور دستوری ویژه از سوی مقامات قضایی، ادامه رسیدگی به پرونده «رتیل های خون ریز» به کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی سپرده شد و بدین ترتیب تحقیقات درباره ابعاد دیگر این ماجرای هولناک ادامه یافت.